

## من از "خبر کوتاه" متنفرم!

در طول زندگیم هرگاه "خبری کوتاه" بهم رسید، حاوی خبر هولناک و عظیمی بود و اغلب از دست دادن "عزیزی" در آن مستتر بود، برای همین من از خبرهای کوتاه متنفر هستم. از این جمله "خبر کوتاه بود" متنفر هستم. چرا که می دانم بعد از این جمله، خبر—دیگر کوتاه نیست، کوچک نیست، کم اهمیت و پیش پا افتاده نیست. "خبر کوتاه" به اندازه یک دنیا سنگین است.

و این خبر دهشتناک برای جامعه بشری، هم "کوتاه بود"، "ژوبین عزیزم درگذشت"، آذر ماجدی همسر گرامی منصور حکمت در اطلاعیه ای کوتاه "حادثه هولناک" را به کودکان خیابانی از تهران تا برزیل، به زنان محروم و تحت ستم از خاورمیانه تا شاخ آفریقا، به کارگران دربند جامعه سرمایه داری از کره جنوبی تا ایران و از ایران تا امریکا، به انسان های آرزومند زندگی ای بهتر و دنیایی بهتر، خبر می دهد. خبر می دهد که یکی از فداکارترین و دلسوزترین حامیتان را از دست دادید. "خبر کوتاه" است اما سنگین چون کوهی از سرب مذاب، و این کوه بر قلب هزاران انسان عاشق انسانیت، سنگینی می کند. این کوه بر آرزوهای هزارن آرزومند آزادی و برابری، آوار می شود. این کوه دیوارهای زندان هزاران زندانی رژیم اسلامی را بلندتر و سهمگینتر می کند. زندانیانی که روئیاشان ریزش این دیوارهای بلند و خفه کننده است.

من هم چون هر انسان آزاده ای که به آزادی زندانیان در بند حکومت اسلامی، به آزادی زنان از قید و بندهای مذهبی و سنتی، به آزادی جوانان از فشار مضاعف قدرت اسلامی، به رها شدن کودکان از زیر دست سوءاستفاده های جامعه سرمایه داری و به رهایی بشریت از منجلاب و جهنم سرمایه داری می اندیشد، از دست رفتن رفیق منصور حکمت رهبر حزب کمونیست کارگری، رهبر سیاسی مبارزات انسانی و برابری طلبانه معاصر را "حادثه ای هولناک" می دانم که جبراننش برای جامعه انسانی سالها وقت طلب می کند.

این ضایعه بزرگی برای جامعه بشری است. آرزو دارم که همسر و خانواده وی، زنان و کودکان جهان که حضور حکمت در عصر حاضر جرقه امید در دل آنان روشن کرده بود، رفقایم — رهبری، کادرها، اعضای حزب کمونیست کارگری و دوستداران منصور حکمت، توان و تحمل این فاجعه عظیم را داشته باشند. بدانند که در تحمل این درد تنها نیستند و کل جامعه انسانی و انسان دوست معاصر، در کنار آنها هستند.

فرزاد ادیبی ششم جولای ۲۰۰۲